

## طرح قانونی

## الزام دولت

## جهت دستیابی به

## فناوری هسته ای



## صلح آمیز

سید کمال الدین رفیعی \*

### مقدمه

مساله توسعه صلح آمیز هسته ای (آنگونه که امروزه محور مباحث بین المللی است) بیش از آنکه یک مولفه در سیستم حقوقی ملی باشد، نهادی بین المللی است. در کل، توسعه به دو صورت مختلف در ادبیات حقوق بین الملل مطرح نظر است. گاه "حق توسعه" به منزله یکی از حقوق اولیه "دولتها" و نتایج طبیعی حاکمیت آنها موضوعیت می یابد و گاه "حق بر توسعه" به منزله یکی از حقوق اساسی "بشری" و مصداقی از نسل سوم این حقوق (حقوق همبستگی)<sup>۱</sup> مطرح می شود. در این صورت هر یک از آنها چارچوب و اصول خاصی داشته و آثار حقوقی متفاوتی ایجاد می کنند. "در حالیکه حق توسعه در برگیرنده خواست های کشورهای در حال توسعه در مقابل توسعه یافته ها است، حق بر توسعه با محور قرار دادن انسان در رشد اقتصادی تاکید دارد که توسعه همانند حق فرد در مقابل دولت متبوعش می باشد و حتی گسترده تر از آن همانند استیضاح دولتها از یکدیگر است."<sup>۲</sup>

در خصوص ماهیت این حق هم نظرات متفاوتی وجود دارد. در این گردونه که پیرو تعارض همین دیدگاهها و همچنین به دلیل برنامه ریزی غرب برای اعمال فشار بر کشورمان، پرونده ای هسته ای در شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی مفتوح شده است، مجلس شورای اسلامی با تصویب

\* کارشناس ارشد حقوق بین الملل و پژوهشگر مطالعات صلح در دانشگاه امام حسین (ع).

طرحی موسوم به "دستیابی به فناوری هسته ای صلح آمیز" سعی کرده نه تنها مواضع ملت ایران در این حوزه را منعکس سازد بلکه به سهم خود، درصد برون رفت کشور از این فشارها برآید.

در این نوشتار با در نظر داشتن زمینه حقوقی بین المللی مساله حق توسعه هسته ای صلح آمیز و جدال هائی که در این خصوص وجود دارد، طرح مذکور را مورد بررسی خواهد گرفت. تحلیل صواب این مباحث مستلزم اشراف کامل به روند شکل گیری و تحرک نظام عدم گسترش سلاحهای هسته ای در پهنه فرایند بین المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات است که در این تحلیل، با فرض عدم نیاز به تشریح آنها، صرفاً اصل موضوع را تبیین و تحلیل خواهیم کرد.

### بند اول: ریخت شناسی توسعه صلح آمیز هسته ای در نگاهی ایرانی

اغلب ابزارها و عناصر موجود در طبیعت و زندگی بشری بویژه ساخته های دست بشر از قابلیت کاربردهای دو یا چند گانه برخوردارند به گونه ای که از هر نوع کاربرد، آثار مثبت یا منفی خاصی حاصل می شود. انرژی هسته ای نیز چنین وضعیتی دارد. استفاده مثبت از اتم به تولید انرژی هسته ای لازم برای تولید برق، مصارف پزشکی، کشاورزی و ... می انجامد و فراهم کردن حجمی نسبتاً خالص از آن به همراه جمع شدن لوازمی نظیر چاشنی انفجار و ... می تواند امکان تولید خطرناک ترین سلاح با قابلیت کشتار و انهدام جمعی را فراهم سازد.

بر اساس رویکرد حاکمیت محور در نظم حقوقی بین المللی کنونی که

نتیجه طبیعی دولت محوری روابط بین المللی است، مادامی که حقوق بین الملل عملی را بر بازیگران ممنوع نکرده است، دولت‌ها در آن خصوص "مجاز" تلقی می‌شوند بدون آنکه چنین جوازی نیازمند اثبات باشد. به عبارت دیگر، برای دولت‌ها که سازندگان نخستین روابط بین المللی هستند و اصل اباهه یا جواز جاری است تا پایان دهه ۱۹۶۰ و انعقاد معاهده عدم گسترش، صرف داشتن و تولید سلاح هسته‌ای (و نه کاربرد آنها که یکی از ممنوعیت‌های قدیمی در حقوق درگیریهای مسلحانه است) ممنوع نبوده است. معاهده عدم گسترش این ممنوعیت را برای بخش اعظمی از اعضای جامعه بین المللی دولت‌ها (یعنی دولت‌های توسعه نیافته) ایجاد کرد. اما از آنجا که کاربرد انرژی هسته‌ای الزاماً با تولید سلاح هسته‌ای همراه و همزاد نیست، در کنار ممنوعیت‌های مذکور، حق فعالیت صلح آمیز هسته‌ای نیز مورد تأکید قرار گرفت.

با این حال، اولاً ظاهر عبارت پردازی معاهده، با ممنوعیت آغاز شده و اصل را بر ممنوعیت گرفته است. ثانیاً فعالیت صلح آمیز باید در گستره نظارت منظم آژانس بین المللی انرژی اتمی انجام پذیرد. ثالثاً تسهیل فعالیت صلح آمیز هسته‌ای تکلیف مشترک کلیه دولت‌ها قلمداد شده است.

هدف از تدوین ماده ۴ معاهده عدم گسترش این بوده است که رضایت کشورهای در حال توسعه که بخش اعظمی از دولت‌ها را تشکیل می‌دهند، جلب نمایند و بدین طریق آنها را به قبول تعهدات نظام عدم گسترش ترغیب کنند، به عبارت دیگر، نه تنها فعالیت صلح آمیز هسته‌ای، حق مسلم کلیه دولت‌ها از جمله کشورهای غیر هسته‌ای در حال توسعه است، بلکه تسهیل این فعالیت

**اغلب ابزارها و عناصر موجود در طبیعت و زندگی بشری بویژه ساخته‌های دست بشر از قابلیت کاربردهای دو یا چند گانه برخوردارند به گونه‌ای که از هر نوع کاربرد، آثار مثبت یا منفی خاصی حاصل می‌شود. انرژی هسته‌ای نیز چنین وضعیتی دارد. استفاده مثبت از اتم به تولید انرژی هسته‌ای لازم برای تولید برق، مصارف پزشکی، کشاورزی و ... می‌انجامد و فراهم کردن حجمی نسبتاً خالص از آن به همراه جمع شدن لوازمی نظیر جاشنی انفجار و ... می‌تواند امکان تولید خطرناک‌ترین سلاح با قابلیت کشتار و انهدام جمعی را فراهم سازد.**

ها در عرصه بین المللی تکلیف جمعی دولت‌ها است.

در این ماده نوع فعالیت‌های صلح آمیز به صورت روشن تری بیان شده است. از نظر این ماده، آنچه باید تسهیل شود، تبادل آزادانه و بین المللی تجهیزات، مواد، اطلاعات و دانش علمی و فنی در زمینه استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای است. بر این اساس، اولاً دولت‌های هسته‌ای و صنعتی عضو معاهده مذکور مکلفند این مبادلات را تسهیل کنند. ثانیاً اگر واداشتن آنها به انجام معاهدات "دو یا چند جانبه با کشورهای در حال توسعه عضو این معاهده" ممکن نیست حداقل اثر این ماده به عنوان تعهدی حقوقی و برابر با سایر تعهدات و مفاد معاهده این پی‌تی‌ان است که این کشورها مکلفند از مانع تراشی بر سر راه تبادل این مواد و فناوری خودداری ورزند. این در حالی است که تاسیس گروه‌های کنترل صادرات همانند کمیته زانگر و گروه عرضه کنندگان هسته‌ای که بر اساس ترتیبات سیاسی استوارند، عملاً رویکرد خلاف مقتضای ذات این ماده را در پیش گرفته‌اند.

این گروه‌های کنترل فعالیت‌های هسته‌ای که متشکل از برخی کشورهای توسعه یافته اعم از هسته‌ای و غیر هسته‌ای هستند، با ایجاد دستورالعمل‌هایی ناظر بر محدود و حتی ممنوع کردن صادرات مواد و فناوریهای هسته‌ای صلح آمیز (دو منظوره) به برخی کشورها، عملاً از ممنوعیت‌های هسته‌ای به عنوان وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف سیاسی خود استفاده می‌کنند. این گروه‌ها که ترتیبات و سازمان‌هایی سیاسی هستند، فهرست‌هایی از مواد، تجهیزات و فناوریهای دو منظوره به نام "فهرست سیاه" تهیه کرده‌اند و از ارسال اقلام مندرج آن فهرست به برخی کشورهای در حال توسعه خودداری کرده و آنرا در پرتو تعهد و عدم کمک و ترغیب و تشویق غیر هسته‌ای‌ها به تولید و کسب سلاح هسته‌ای توجیه می‌کنند.

کشورمان نیز پس از انقلاب همواره با این محدودیت‌ها دست و پنجه نرم کرده و تنها روسیه و چین به درخواست همکاری و کمک ایران برای راه اندازی نیروگاه بوشهر و برخی تاسیسات جدید هسته‌ای پاسخ مثبت داده‌اند. در هر حال، تفاسیر دوگانه دولت‌ها از حق توسعه هسته‌ای سبب شده که این موضوع در حاله‌ای از ابهام فرو رود و اگر ما نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه و فاقد سلاح هسته‌ای عکس العمل نشان ندهیم، در این رقابت خواهیم باخت.

در ماده ۴، استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی، حق غیر قابل سلب دولت‌ها قلمداد شده است. با توجه به اصل تفسیر معاهدات در پرتو موضوع و هدف معاهده، این حق را باید در پرتو عدم گسترش یعنی تعهدات مواد ۱ و ۲ ان.بی.تی. تعبیر نمود. ۴ بر همین اساس است که دو تفسیر عملی از سوی دولت‌ها ارائه شده است.

قدرتهای هسته‌ای و هم پیمانان آنها در صدد تحمیل این تفکر هستند که مرکز ثقل معاهده عدم گسترش، عدم افزایش تعداد دارندگان توان هسته‌ای نظامی است. از این رو، هرگونه همکاری بین المللی صلح آمیز در قالب توسعه انرژی هسته‌ای باید خللی در آن موضوع ایجاد نکند و در نتیجه باید برای دولت‌های توسعه یافته تضمین و اطمینان ایجاد شود که همکاریهای آنها در حوزه انرژی هسته‌ای در مسیر فعالیت‌های ممنوعه در معاهده بکار نخواهد رفت. به عبارت دیگر، آنها ادعا می‌کنند که حق مطالبه انتقال اینگونه تجهیزات تابعی از هدف اصلی معاهده یعنی عدم گسترش سلاح هسته‌ای ایه عنوان عنصر ذاتی معاهده<sup>۹</sup> است و این انتقال به هیچ وجه نباید دسترسی به سلاح را تسهیل کند. لذا در تعارض بین منافع اقتصادی و این هدف، باید هدف را بر تابع حاکم دانست.<sup>۶</sup> بر این اساس، آنها حقی برای خود قائل هستند که به کشورهایی که از نظر آنها سیاست و عملکرد روشنی نداشته و یا متهم به فعالیت‌های تسلیحاتی کشتار جمعی هستند، نه تنها کمکی در اجرای ماده ۴ ارائه نکنند بلکه با ایجاد گروه‌های کنترلی، مانع از همکاری سایر دولت‌ها گردند.

تفسیر دوم از سوی کشورهای در حال توسعه این است که همکاریهای صلح آمیز هسته‌ای تعارضی با ممنوعیت‌های مقرر در معاهده ندارد. کما اینکه در معاهده نیز اولاً همکاریهای مذکور به صورت مستقل و به عنوان موضوعی که ممنوعیت‌های عدم گسترش نمی‌تواند مانعی فرارروی آن گردد، تلقی شده است. ثانیاً توسعه صلح آمیز<sup>۷</sup> در ماده ۴ یک حق مسلم و غیر قابل سلب برای کلیه دولت‌ها اعم از هسته‌ای و غیر هسته‌ای است. بنابراین هر چند بند ۲ آن ماده اولویت را در فرایند توسعه به دولت‌های غیر هسته‌ای داده است،<sup>۷</sup> اما نمی‌توان با محدود کردن آن به دولت‌های غیر هسته‌ای، در صدد محدود کردن گستره آن برآمد. حتی نص بند ۲ ماده ۴ هر چند اولویت به ایجاد ترتیبات بین المللی برای توسعه کشورهای عضو بویژه غیر هسته‌ای‌ها داده اما تعلق حق توسعه به سایر دولت‌ها را منکر نشده بلکه به صراحت آن را تأیید نموده است. از طرف دیگر، این حق در سند مذکور شناسائی شده و جلوه‌ای بین المللی یافته است. تأمین اجرای این حق شناخته شده بین المللی، مانع از آن است که با تلقی حقوق فردی دولت‌ها نظیر "حق کنترل صادرات ملی بویژه در راستای پایبندی به تعهدات ناشی از معاهده، همکاری با هر دولت بر مبنای صلاح حدید حاکمیتی خویش، انعقاد قراردادهای توسعه بر مبنای اصل اختیاری بودن<sup>۸</sup> و نظایر آن بتوان آثار بین المللی این حق را نادیده گرفت. بنابراین، همکاری بین المللی در این حوزه، یک تعهد و تکلیف مستقل دولت‌های عضو ان.بی.تی. است و چون ناظر رسمی حسن اجرای معاهده نیز آژانس بین المللی انرژی اتمی است، دولت‌ها نمی‌توانند بر اساس تلقیات فردی و ارزیابی‌های یکسویه خود، از اجرای این تعهد معاهده‌ای بویژه مبادله هر چه سریعتر اطلاعات علمی و فنی برای مقاصد صلح جویانه انرژی هسته‌ای<sup>۸</sup> انصراف ورزیده و بی دلیل، مواد ۱ و ۲ را بر ماده ۴ برتری دهند. به نظر کشورهای در حال توسعه، علت اصلی الحاق آنها به معاهده عدم گسترش، استفاده از حقی بوده که این معاهده برای توسعه تحقیقات، تولید و بهره برداری از انرژی هسته‌ای در راه صلح بوجود آورده و همه دولت‌های جهان را به ایجاد زمینه‌های مساعد برای مبادله اطلاعات، وسایل و مواد لازم مربوط به نیروی اتم ملزم ساخته و در نتیجه

دولتهای صنعتی را موظف نموده است که با توجه به نیازهای کشورهای در حال توسعه، آنها را در استفاده صلح آمیز از این نیرو مدد رسانند.

### ۱- محوره‌های طرح قانونی

طرح نمایندگان مجلس که با عنوان «دستیابی به فناوری هسته‌ای صلح آمیز» با حمایت قاطع مجلس هفتم به تصویب رسیده است، مقرر می‌دارد: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است با بهره‌گیری از اندیشمندان، محققین و امکانات کشور و همچنین پیگیری اجرای تعهدات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کشورهای برخوردار از این فناوری در برابر کشورهای عضو معاهده منع تولید و تکثیر سلاحهای هسته‌ای (NPT) نسبت به برخورداری کشور از فناوری هسته‌ای صلح آمیز از جمله تامین چرخه سوخت اقدام نماید. برای بازشناسی این طرح مصوب مجلس و دامنه مفادی آن، نخست محوره‌های حقوق و تعهدزائی آن را در نگاهی اختصاری و راهبردی بررسی خواهیم کرد.

هسته‌ای صلح آمیز که در واژگان صریح ماده ۴ معاهده عدم گسترش مقرر شده، توجه ناقص به استیفای حقوق ملی در قبال این معاهده است. از این رو، این طرح می‌بایست، طرح توسعه هسته‌ای صلح آمیز نام می‌گرفت و محتوای آن هم در خصوص کلیه ابعاد این توسعه تدوین می‌شد و نه صرفاً ابعاد تکنولوژیک و فناورانه آن.

#### توسعه فناوری: تعهد به شرط نتیجه

در عمل، شناسائی حق اعم از توسعه فناوری هسته‌ای یا غیر آن، چندان مهم نیست. مساله اعمال این حق تا حصول نتیجه و قطعیت آن است. یعنی اینکه ارائه کنندگان این طرح قانونی بر این عقیده اند که دولت جمهوری اسلامی ایران باید برخورداری کشور از فناوری هسته‌ای صلح آمیز را محقق سازد.

پس تعهد درونی کشور یا تعهد حکومت در برابر ملت ایران این است که ایران را از نظر توسعه فناوری هسته‌ای صلح آمیز، به سطح کشورهای برخوردار این فناوری برساند. این نگاه عمیق به استیفای حقوق دولت و ملت

### بند دوم: ارزیابی طرح قانونی الزام ملی به توسعه فناوری صلح آمیز هسته‌ای

در این ماده واحده که از نظر جمله بندی و عبارت پردازی هم بسیار مختصر تهیه شده است، حوزه‌های متعدد و مهمی نهفته که در عین حال، بنیادهای دیپلماسی بین‌المللی در حوزه نظام عدم گسترش را به خود مشغول داشته اند.

#### ۱-۱ دستیابی به فناوری هسته‌ای صلح آمیز

نظر مجلس این است که ایران باید به فناوری هسته‌ای صلح آمیز دست یابد. مفهوم مخالف این جمله تاکیدی و امری این است که ایران تا کنون به فناوری هسته‌ای صلح آمیز (انگونه که مورد نظر مجلسی‌ها است) دست نیافته است. این عبارت پردازی طرح از جهات مختلف دارای آثار منفی و مثبت است.

#### چرا حق توسعه فناوری هسته‌ای را صراحتاً برای ایران برسمیت نشناخته است؟

هرچند وادار کردن دولت (که منظور از این واژه همانطور که در زیر بررسی خواهیم کرد، به «قوه مجریه» محدود نمی‌شود) به دستیابی به این فناوری امری است که از نظر درون ملی، اهمیت شایانی دارد اما قبل از این می‌بایست مقرر می‌شد که «دستیابی به فناوری هسته‌ای صلح آمیز، یک حق اساسی و بنیادین برای کشور تلقی می‌شود و این حق هم در حقوق ملی یعنی قانون اساسی ایران ریشه دارد و هم در اسناد بین‌المللی لازم‌الاجرای معاصر». در واقع، مجلس مقدمه طرح را که از نظر حقوقی «بنیادین» است، به فراموشی سپرده و آن را مفروض گرفته است. این در حالی است که همین فرض هرچند هم چندان ناصواب نیست اما در مقام قانونگذاری، تاکید بر چنین حقی، مبنائی برای مستند سازی رویه ایران در قبال ماده ۴ معاهده عدم گسترش تلقی می‌شود و چه نهادی مناسب تر از مجلس که اراده ملت را در باب این مساله بین‌المللی نمودار سازد.

#### چرا فقط توسعه فناورانه هسته‌ای صلح آمیز؟

دستیابی به فناوری، تنها جزئی از حق توسعه هسته‌ای صلح آمیز است. توسعه دانش، مبادلات، آزمایش‌های هسته‌ای اعم از انفجاری و تست‌های آزمایشگاهی، تحت پوشش این طرح قرار نمی‌گیرند. این نگاه جزئی به توسعه



ایران، نقطه قوت این طرح است. در واقع، نمایندگان صرفاً به دنبال استفاده ابزاری از این طرح نیستند بلکه خواهان تحقق بخشیدن به حقوقی اساسی هستند که دولت و ملت ایران از گذشته تا کنون از اجرای آن محروم شده است.

### ۲- روشهای حصول به برخورداری از فناوری هسته‌ای صلح آمیز

در صدر این طرح، ابزارهای حصول به هدف نهائی فوق نیز به صورت کلی مقرر شده است. بر این اساس باید با بهره‌گیری از دانشمندان، محققین و امکانات کشور و همچنین پیگیری اجرای تعهدات آژانس و دولتهای هسته‌ای در برابر کشورمان (و کشورهای مشابه ایران)، این هدف محقق گردد. همانطور که پیداست روشهای مذکور دو دامنه متفاوت دارند. از یک سو به توان ملی و بومی کشور تکیه دارد و از طرف دیگر، کمک‌های بین‌المللی را در پرتو معاهده عدم گسترش در نظر دارد.

#### الف- بهره‌گیری از دانش و امکانات ملی

در بعد ملی نیز استفاده از کلیه امکانات کشور در ابعاد نرم افزاری و سخت افزاری آن مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و در واقع، عزم راسخ ملت



و دولت را در توسعه هسته ای صلح آمیز (البته تنها در بعد فناورانه آن) مقرر نموده است. در واقع، ابعاد نرم افزاری و سخت افزاری بومی باید در خدمت توسعه فناوری هسته ای قرار گیرد.

یکی از مهمترین لوازم یک توسعه پایدار در کشورهای جنوب، استفاده از توان ملی بویژه توان علمی و فنی کشور و سعی در بومی کردن این دانش و علوم است. بدیهی است که دولتهای توسعه یافته که عمدتاً توسعه آنها مبتنی بر دانش ویژه و نخبگان متعلق به کشورهای جنوب است، مایل نیستند حتی در صورت وجود همکاریهای متقابل اقتصادی و توسعه ای، دانش توسعه ای را به این کشورها منتقل نمایند. بلکه سطح همکاریهای خود را به فروش و انتقال مصنوعات صنعتی محدود نموده و دانش آنها را نزد خود به انحصار نگه می دارند. از این رو، بومی کردن دانش و علوم یکی از لوازم اساسی گام برداشتن کشورهای جنوب (جهان سوم) به سوی توسعه است.

مجلس شورای اسلامی نیز عقیده دارد که در جهت حصول به هدف دستیابی به فناوری هسته ای صلح آمیز باید از دانشمندان و محققین کشور استفاده شود.

از طرف دیگر، سخت افزار توسعه نیز باید در درجه اول از داخل کشور تامین شود. امکانات داخلی باید برای حصول به این هدف به صورت مناسب بسیج گردد به گونه ای که توسعه همه جانبه نیز دچار اختلال نگردد. با این حال، در صورتی که امکانات کشور بدین منظور کافی نباشد، راه آن پیگیری اجرای تعهداتی است که دولتها و سازمانهای بین المللی در قبال کمک به توسعه کشورمان و کشورهای مشابه دارند.

**نظر مجلس این است که ایران باید به فناوری هسته ای صلح آمیز دست یابد. مفهوم مخالف این جمله تاکیدی و امری این است که ایران تا کنون به فناوری هسته ای صلح آمیز (آنگونه که مورد نظر مجلسی ها است) دست نیافته است. این عبارت پردازی طرح از جهات مختلف دارای آثار منفی و مثبت است.**

**ب- پیگیری ایفای تعهدات آژانس و کشورهای توسعه یافته در قبال توسعه غیر هسته ای ها**

زیربنای این بخش از طرح مجلس را این اعتقاد تشکیل می دهد که آژانس و کشورهای توسعه یافته هسته ای در برابر کشورهای فاقد توان هسته ای ولی عضو معاهده عدم گسترش، تعهداتی حقوقی دارند و این تعهدات مستند به معاهده ۱۹۶۸ ان.بی.تی. می باشد.

این اعتقاد کاملاً به حق بوده و مبتنی بر موازین شناخته شده بین المللی است. اما واقعیت این است که در پی تلاش غرب و هماهنگی میان بلوک بندیهای قدرت، روز بروز از دامنه این تعهد کمتر می شود و آنها عملاً در صددند تا دولتهای عضو ان.بی.تی را فریفته و بدون آنکه به توسعه هسته ای شان کمکی بنمایند، توسعه هسته ای را در انحصار خود نگهدارند. اکنون به تشریح این موضوع خواهیم پرداخت.

بدون شک بار اصلی حق توسعه به سمت کشورهای کمتر توسعه یافته است و در نتیجه تعهدات ناشی از آن نیز متقابلاً ناظر بر دولتهای هسته ای عضو نظام عدم گسترش می باشد.<sup>۹</sup> با بررسی مفادی و ماهوی تعهدات دولتهای هسته ای در قبال توسعه صلح آمیز انرژی اتمی، می توان آنها را به دو دسته مجزا یعنی تعهدات سلبی و ایجابی تقسیم نمود.

با شکافتن تعهد دولتهای هسته ای در قبال توسعه یافتن سایر دولتها، تعهدات سلبی جلوه ای مهمتر و عملی تر از الزامات ایجابی می یابد. اگر واداشتن دولتهای توسعه یافته به توزیع توان و قابلیت های توسعه یافتگی میان سایر ملل و ایجاد عدالت در این حوزه، ممکن است موانع حقوقی داشته و غیرعملی باشد، بدون شک خودداری از مانع تراشی در فراروی توسعه

سایرین تعهد و التزامی حقوقی است که در ماده ۴ معاهده عدم گسترش نهفته است. بر این اساس، نکته نغز سعدی یادآوری می شود که ما را به خیر تو امیدوی نیست، شر مرسان.

در عمل، دولتهای توسعه یافته از طریق اقدامات ملی نظیر وضع مقررات کنترل صادرات و همچنین ایجاد رژیم های سیاسی متشکل از توسعه یافته ها برای کنترل همکاریهای توسعه ای، مانع تراشی در فراروی توسعه ملی انرژی هسته ای در ابعاد صلح آمیز را دنبال نموده اند.

#### **خودداری از اقدامات ملی (کنترل های صادراتی ملی)**

بر اساس اصل حاکمیت دولتها و رویکرد لوتوسی در رویه قضائی بین المللی،<sup>۱۰</sup> هر دولتی در فعل و ترک فعل خویش از آزادی عمل برخوردار است مگر آنکه حقوق بین الملل خلاف آن تعهداتی الزام آور ایجاد کرده باشد. در این صورت، قانونگذاری اصولاً امری داخلی به مفهوم بند ۷ ماده ۲ منشور است. اما این امر الزاماً بدان معنا نیست که نفس قانونگذاری و یا محتوای آن قابل تقابل با نظم حقوقی بین المللی باشد. هیچ دولتی نمی تواند با توسل به اقدامات ملی، از ایفای تعهدات حقوقی بین المللی خویش استنکاف ورزد. این یک اصل شناخته شده در حقوق بین الملل است که از برتری نظم حقوقی بین المللی نشأت می گیرد.

بر این اساس، اصولاً تعیین سیاست های صادراتی و تنظیم آئین آن، امری است که در صلاحیت هر دولت ذیربط بوده و موجبی برای اعتراض و مداخله سایرین ایجاد نمی کند. با این حال، در مواردی که تعهدات بین المللی الزام آوری در ارتباط با آن وجود دارد، توسل به نتایج اصل حاکمیت و جاهت حقوقی ندارد. در این موارد، هرگونه اقدام ملی خواه به عنوان اجرای تعهدات بین المللی و یا اقدامات مبتنی بر صلاحیت دولت صرفاً در صورتی قابل قبول است که مغایرتی با گستره آن تعهدات نداشته باشد.

در حوزه عدم گسترش (و حتی خلع سلاح کشتار جمعی در کلیت آن) مقررات بین المللی حاکی از تعهد دولتها به همکاری بین المللی در توسعه صلح آمیز وجود دارد که اجرای آنها مانع از آن است که دولتها به صورت مطلق بتوانند سیاستهای صادراتی خود را آنگونه که می پسندند وضع و اجرا نمایند. تعهد دولتهای عضو معاهده عدم گسترش مبنی بر توسعه صلح آمیز انرژی هسته ای در حداقل دامنه و برد آن، متضمن این التزام است که دولتهای دارای فناوری و دانش پیشرفته هسته ای، در جریان همکاریها و مبادله بین المللی علوم، دانش و فناوریهای مذکور برای مقاصد صلح آمیز، مانع ایجاد نکنند و نتوانند با توسل به اقدامات کنترل صادراتی، از همکاری بین المللی و ایفای تعهد به تسهیل توسعه صلح آمیز هسته ای شان خالی کنند. ماده ۴ معاهده عدم گسترش به عنوان یک تعهد بین المللی، مانع مشروعیت اقدامات ملی مغایر آن می گردد.

#### **خودداری از اقدامات کنترلی موازی با معاهدات بین المللی**

نامشروع بودن اقدامات یکجانبه و ملی مغایر با تعهد بین المللی به طریق اولی به این نتیجه منجر می شود که اقدامات گروهی محدود از دولتهای هسته ای و اقدام سیاسی آنها برای عدول از اجرای یک تعهد حقوقی نیز نه تنها نمی تواند کارکرد رقیب سازی در برابر معاهده عدم گسترش داشته باشد بلکه اقدامی مغایر با تعهدات آنها خواهد بود.

عملکرد دولتهای هسته ای از زمان اجرای بین المللی نظام عدم گسترش تا کنون نشان می دهد که بارها این جنبه از تعهد خود را نقض کرده اند. بدون شک تاسیس کلپ لندن یا گروه عرضه کنندگان هسته ای<sup>۱۱</sup> و کمیته زانگر<sup>۱۲</sup> از جمله عملکردهای ناقض آن تعهد به شمار می رود.<sup>۱۳</sup>

کمیته زانگر در سال ۱۹۷۴ متعاقب آزمایش هسته ای هند و فعالیت های آن کشورها با کره شمالی، افریقای جنوبی و برزیل، کار خود را برای ایجاد هماهنگی و اتحاد میان کشورهای پیشرفته هسته ای برای کنترل و نظارت بر جریان همکاریهای توسعه ای با دولتهای در حال توسعه آغاز کرد. گروه عرضه کنندگان هسته ای یا باشگاه لندن نیز شامل هفت کشور

پیشرفته در زمینه هسته ای است که در سال ۱۹۷۶ تاسیس شد. این گروه با باشگاه همانند کمیته زانگر ترتیبی سیاسی است که در قالب آن اقدامات و سیاستهای کشورهای عضو در زمینه توسعه توان هسته ای و همکاری با سایر دولتها هماهنگ می شود. هدف اعلامی این باشگاه، به حداقل رساندن گسترش سلاحهای هسته ای در اثر انتقال فنون هسته ای است. تلاش امریکا برای واداشتن روسیه به عدم همکاری هسته ای با ایران نیز در پرتو تصمیمات این باشگاه صورت می گیرد.<sup>۱۴</sup>

کمیته صادرکنندگان هسته ای و گروه عرضهکنندگان هسته ای (کلوب لندن) گروههای غیررسمی کنترل صادرات هسته ای هستند. هر دو گروه دارای فهرستهای اقلام موجود به کشورهای غیر عضو عدم گسترش هستند تا [به ظاهر] موجب برانگیختن حس رعایت اصول پادمان آژانس بین المللی انرژی اتمی جهت کسب اطمینان از عدم کاربرد این اقلام در تولید سلاح هسته ای شوند. در حالیکه کمیته زانگر از کشورهای دریافتکننده تجهیزات می خواهد که تأسیسات هسته ای خود را تحت نظارت آژانس قرار دهند، کلوب لندن مقررات کنترل صادراتی محدودکننده تری عرضه نموده تا کشورهای دریافتکننده اصول پادمان جامع آژانس<sup>۱۵</sup> را بپذیرند.<sup>۱۶</sup>

از نظر حقوقی دو ایراد عمده بر این ترتیبات وجود دارد: اولاً در بند ۲ ماده ۴ تصریح شده که کلیه دولتهای طرف معاهده حق دارند در تبادل هر چه سریعتر تجهیزات، مواد و اطلاعات علمی و فناوری صلح آمیز هسته ای و تسهیل آنها مشارکت نمایند. از این رو، اعمال فشار از سوی کشورهای توسعه یافته خواه به صورت مستقل یا در قالب گروههای کنترلی نمی تواند مانعی فراروی حق مشارکت آنها باشد. بنابراین، فشار بر روسیه و چین برای خودداری از همکاری در برنامه توسعه صلح آمیز انرژی هسته ای در ایران، نه تنها با تعهد به توسعه مباحث دارد بلکه مغایر این حق مشارکت در توسعه نیز هست. ثانیاً می توان گفت که دولتهای صادرکننده فناوری هسته ای با ایجاد باشگاه لندن دچار نوعی تناقض گوئی شده اند. چراکه این باشگاه و تصمیمات آن، مقررات معاهده عدم گسترش در مورد الزام این دولتها به انتقال فناوری هسته ای برای مقاصد صلح جویانه را به تمسخر گرفته اند. معاهده عدم گسترش انتقال این فناوری ها به دولتهای غیر هسته ای عضو را تابع چنین شرایط سختی نموده است.<sup>۱۷</sup>

دولتها به شرطی به خلع سلاح تن داده اند که ممنوعیت های آن نتواند مانع توسعه آنها گردد. از این رو، تفسیر رابطه ممنوعیت ها و حق توسعه در این معاهدات بر اساس کارهای مقدماتی مربوط به انعقاد آنها و بر مبنای کشف اراده متعاقدین حاکی از آن است که چنین التزام حقوقی برای دولتهای توسعه یافته ایجاد شده که در خصوص تسهیل این تعاملات توسعه ای گام بردارند. تکلیف ناشی از همبستگی دیگر فقط در قالب کمک کردن تجلی نمی یابد. کمکها اغلب یادگار زمان استعمار هستند. در روح حاکم بر نظم اقتصادی بین المللی تکلیف شامل مجموع روابط شمال و جنوب می شود و آن به دلیل تعلق کلیه دولتها به یک جامعه بین المللی است. جامعه بین المللی که نیروی بسیج کننده اش ناشی از ماهیت تقریباً اسطوره ای آن می باشد.<sup>۱۹</sup>

### مبانی حقوقی طفره رفتن آژانس و هسته ای ها از تعهد به کمک

با اینکه توسعه صلح آمیز هسته ای در پرتو حقوق توسعه و همچنین حقوق بشری نسل سوم قابل طرح است اما در عمل، محدودیتهائی نیز فراروی آن وجود دارد. اندیشه کلی برتری منافع جامعه بین المللی بر منافع فردی



دولتها چنین دلالت دارد که حفظ صلح و امنیت بین المللی در برابر خطر ناشی از گسترش سلاحهای هسته ای ایجاب می کند توسعه صلح آمیز هسته ای نه به عنوان مرادف و هم عرض با منع گسترش بلکه در طول آن باشد و تنها در مواردی این توسعه دنبال شود و حق دولتهای توسعه نیافته استیفا گردد که احتمال تعارض آن با عدم گسترش در حداقل ممکن باشد. به عبارت دیگر، در این دیدگاه ضرورت های توسعه صلح آمیز هسته ای دولتهای در حال توسعه، فدای استقرار و تقویت نظام عدم گسترش می گردد.

از طرف دیگر، ماده ۵ معاهده عدم گسترش که توزیع عادلانه فواید ناشی از آزمایشهای هسته ای را به عنوان تعهدی بر ذمه دولتهای هسته ای قرار داده بود، به دلیل عدم شکل گیری شرایط اجرا شدن آن از یک سو و همچنین شکل گیری نظام منع جامع آزمایش هسته ای، قابلیت استناد حقوقی نداشته و نمی تواند به توسعه مورد نظر ماده ۴ کمکی بنماید.

اعتقاد بر این است که دولتها با قبول تعهدات بین المللی نظیر منشور ملل متحد، برخی از صلاحیت های خود از جمله مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را به سازمان مذکور انتقال داده و چون منافع جامعه بین المللی در قلمرو مسائل مربوط به امنیت جمعی بر منافع ملی غلبه دارد، تحقق منافع ملی هر یک از دولتها فقط از رهگذر همکاری آنها با یکدیگر و تمرکز

### تعهد ایجابی یا تسهیل مبادلات بین المللی صلح آمیز

تعهدات مثبت یعنی اقدام دولتهای هسته ای در راستای فراهم شدن امکان توسعه یافتگی سایر کشورها به گونه ای که قادر به استفاده از فواید انرژی اتمی در امور صلح آمیز گردند، از ماده ۴ معاهده عدم گسترش استنباط می شود. بر اساس بند ۱ ماده ۴ این معاهده:

کلیه دولتهای عضو متعهد می شوند که مبادله هر چه وسیع تر تجهیزات، مواد، اطلاعات علمی و فناوری را به منظور استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای تسهیل نمایند.

آنچه به روشنی از بند فوق احراز می شود این است که نه تنها نمی توانند این مبادلات را محدود یا ممنوع سازند بلکه باید در جهت تسهیل آنها گام بردارند. بنابراین، انتقال دانش و فناوری هسته ای صلح آمیز به سایر دولتها اگرچه تابعی از صلاحیت اقتصادی و توسعه ای هر دولت توسعه یافته بوده و در این خصوص نیز هیچ قاعده عامی وجود ندارد که دولتها را در تعیین طرف تجارت و مراودات اقتصادی خویش ملزم و مجبور نماید،<sup>۱۸</sup> اما در حوزه عدم گسترش (و همچنین خلع سلاح شیمیائی و بیولوژیک) چنین قاعده ای به عنوان یک تعهد بین المللی و قراردادی خاص وجود دارد. به عبارت دیگر،

اداره آنها در سازمانی بین المللی همچون ملل متحد میسر است.<sup>۲۰</sup> همکاری بین المللی نه تنها یک تعهد حقوقی عام بلکه یک راهبرد طبیعی ملی است اما مساله برتری منافع جامعه بین المللی بر منافع فردی دولتها مساله جدید و ابتکاری یا خاص عدم گسترش نیست. بلکه اجرای حق همواره باید با لحاظ برتری منافع جمعی باشد. کمالینکه برخی قضات دیوان بین المللی دادگستری نیز در رای مشورتی سلاحهای هسته ای این مساله را برای عدم استناد به خلا حقوقی در اعلام عدم مشروعیت سلاحهای مذکور مطرح کردند.

در حال، فارغ از مسائل نظری و بینش های فکری در حوزه دکترین حقوق بین الملل، دو قطعنامه نیز در سازمان ملل متحد در این خصوص صادر شده است: قطعنامه ۳۶۲۷ مجمع عمومی در سال ۱۹۸۱<sup>۲۱</sup> و قطعنامه ۴۷۸ شورای امنیت در سال ۱۹۸۱<sup>۲۲</sup>. این موضوع سبب شده که دستاویز محدودیتهای مبتنی بر بلوک بندی های ناشی از توسعه، افزایش یابد. کمالینکه امروزه نه تنها کشورهای توسعه یافته بر ادامه اقدامات باشگاه لندن و کمیته زانگر اصرار دارند بلکه این نوع اقدامات را به سایر حوزه ها نظیر توانمندی موشکی نیز تسری داده و گروههای مشابهی نظیر رژیم کنترل فناوری موشکی<sup>۲۳</sup> تاسیس کرده اند. با اینکه این اقدامات همواره با اعتراض کشورهای در حال توسعه همراه بوده است اما تا کنون اقدامی هماهنگ و بین المللی در عرصه حقوقی نظیر صدور قطعنامه ای در مجمع عمومی ملل متحد علیه آنها اتخاذ نشده است.

بند آخر مقدمه معاهده عدم گسترش در بیان انگیزه ها و اهداف انعقاد

**دستیابی به فناوری، تنها جزئی از حق توسعه هسته ای صلح آمیز است. توسعه دانش، مبادلات، آزمایش های هسته ای اعم از انفجاری و تست های آزمایشگاهی، تحت پوشش این طرح قرار نمی گیرند. این نگاه جزئی به توسعه هسته ای صلح آمیز که در واژگان صریح ماده ۴ معاهده عدم گسترش مقرر شده، توجه ناقص به استیفای حقوق ملی در قبال این معاهده است.**

این معاهده ضمن نگاهی عدالت محور در توزیع فواید توسعه هسته ای میان دولتها این اصل را تأیید می نماید که فواید حاصل از کاربرد صلح آمیز فناوری هسته ای از جمله کلیه نتایج فرعی فناوری که دولتهای مجهز به سلاحهای هسته ای ممکن است از بسط ادوات انفجاری هسته ای بدست آورند باید برای مقاصد صلح جویانه در دسترس کلیه دولتهای عضو معاهده اعم از دولتهای دارا یا فاقد سلاح هسته ای قرار گیرند.

ماده ۵ نیز در تعقیب این امر با بیان حقوقی تر این موضوع و تبیین شرایط و آئین آن اشعار می دارد:

هر یک از طرفهای متعاهد متعهد می شود که تدابیر مقتضی اتخاذ کند تا طبق مفاد این معاهده و تحت نظارت بین المللی مقتضی و از طریق رویه های بین المللی مقتضی فواید هر نوع استفاده صلح جویانه از انفجارهای هسته ای با رعایت اصل عدم تبعیض در اختیار کلیه دولتهای طرف این معاهده که فاقد سلاح هسته ای هستند، قرار گیرد و هزینه مورد مطالبه از آنها بابت ادوات انفجاری مورد استفاده تا سرحد امکان نازل تعیین گردد و شامل مخارج تحقیق و یا تکمیل نشود.

دو مانع فراروی این ماده وجود دارد: اولاً تاکنون هیچ معاهده دو یا چند جانبه برای بهره گیری از فواید مورد نظر این ماده منعقد نشده است. ثانیاً انعقاد معاهده منع جامع آزمایشهای هسته ای و تلاش برای تکوین قاعده منع جامع آزمایش هسته ای خواه برای مقاصد صلح آمیز یا غیر آن عملاً به معنای نسخ ضمنی مقررات ماده فوق است.

به موجب ماده ۱ معاهده منع جامع آزمایشهای هسته ای<sup>۲۴</sup> سال ۱۹۹۶، یکی از تعهدات اصلی و اساسی دولتهای عضو خودداری از انجام هر گونه

انفجار مربوط به آزمایش سلاحهای هسته ای و هر گونه آزمایش هسته ای دیگر<sup>۲۵</sup> است. بنابراین انجام آزمایش هسته ای اعم از صلح آمیز یا نظامی در هر محیط جغرافیایی ممنوع است. در طول مذاکرات راجع به این معاهده در کمیته ویژه آزمایشهای هسته ای کنفرانس خلع سلاح، هیات نمایندگی چین با استناد به ماده ۵ معاهده عدم گسترش مبنی بر اینکه به واسطه عدم تبعیض، فواید نظامی ناشی از استفاده صلح آمیز از آزمایش های هسته ای باید در اختیار کلیه دولتهای هسته ای عضو آن معاهده قرار گیرد، درخواست کرد تا امکان انجام آزمایشهای صلح آمیز زیر زمینی باقی بماند. پس از بررسی های دقیق این مساله نهایتاً کلیه هیاتهای نمایندگی مذاکره کننده با ممنوعیت این آزمایشها نیز موافقت کردند. بدین ترتیب، منع جامع آزمایشهای هسته ای به رغم اطلاع از مفاد ماده ۵ معاهده عدم گسترش حاکی از تصمیم دولتهای عضو این معاهده بر فسخ ترتیبات ماده مذکور است. بنابراین با لازم الاجرا شدن نظام منع جامع آزمایش هسته ای، معاهده اخیر به منزله ناسخ جزئی از معاهده عدم گسترش عمل خواهد کرد.

### ۳- اوصاف نقش آفرینی دولت: انتظار طرح قانونی

در طرح مذکور اشاره شده که جمهوری اسلامی ایران باید مفاد این طرح را به اجرا در آورد. در واقع مخاطب این طرح جمهوری اسلامی ایران است. اما منظور از دولت چیست. آیا قوه مجریه مورد نظر است یا همانند اصل سوم قانون اساسی، منظور تمامی نهادهای اعمال حاکمیت می باشد؟

در ادبیات حقوقی، واژه دولت در متون مختلف با معنای کاملاً متفاوت بکار می رود. در حقوق داخلی که طرح مورد بحث هم جزئی از آن است، دولت دو مفهوم دارد. یا به معنای حکومت یعنی کلیه نهادهای اعمال کننده اقتدار عمومی است و یا صرفاً شامل قوه مجریه به عنوان یکی از قوای سه گانه می گردد.

به عنوان نمونه قانون اساسی در اصول کلی خود فصل نخست، دولت را به معنای مجموعه حکومت بکار برده ولی در فصل قوه مجریه نیز معنای دولت را صرفاً به این قوه محدود کرده است.

روشن است که عبارت پردازی طرح موضوع بحث این تحلیل، ناظر بر دولت جمهوری اسلامی ایران است و نه صرفاً قوه مجریه. از این رو، تکالیف مندرج در طرح شامل کلیه قوا (بر حسب ماموریت های ذاتی و توان نرم افزاری و سخت افزاری شان) می گردد.

اگرچه این کلیت مخاطب طرح سبب می شود که ابعاد بین المللی موضوع طرح نیز حفظ گردد و در واقع، دیدگاه مجلس به عنوان نماینده قانونی جمهوری اسلامی ایران در قانونگذاری، در قبال فشارهای اخیر به ایران توسط شورای حکام منعکس گردد اما از نظر داخلی معلوم نیست که مجریان این طرح که احتمالاً بزودی به قانون تبدیل خواهد شد، چه نهادهایی هستند.

البته مجلس نمی توانست بار الزام مذکور را بر عهده قوه مجریه بگذارد. زیرا ساختار عملی راهبری برنامه هسته ای ایران خارج از ساختار قوه مجریه بوده و همانطور که بارها در مطبوعات و رسانه های دیگر منعکس شده، راهبری این برنامه در حد پاسخگوئی به آژانس، دبیر شورای عالی امنیت ملی است.

### استنتاج حقوقی

توسعه به عنوان یکی از حقوق نسل سوم بشری و جاهت نسبی یافته، درحوزه حقوق محیط زیست به پدیداری مفهوم توسعه پایدار انجامیده و در معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات نیز حق فعالیت صلح آمیز را در پی داشته است. به قول پروفیسور محمد بجاوی، حقوقدان برجسته جهان و تبعه الجزایر که مدتی رئیس دیوان بین المللی دادگستری بود، حق توسعه اثر طبیعی حق تعیین سرنوشت است. این حق موجب همبستگی بین المللی می شود و جمع پیوستگی معناها را محقق می سازد. از آنجا که حق حاکمیت و تعیین سرنوشت، قواعد امره حقوق بین الملل هستند، حق توسعه که حاصل این



قواعد است، از وصف آمره برخوردار است.

تفسیر و دیدگاه جهان سوم از ماده ۴ معاهده عدم گسترش، این است که توسعه تعهداتی حقوقی در ابعاد سلبی و ایجابی برای قدرتهای هسته ای و دیگر کشورهای توسعه یافته ایجاد می کرده و عملکرد کنونی آنها به منزله تخلف از این تعهدات می باشد. در نقد این دیدگاه گفته می شود که حتی اگر این معاهده در حد عدم گسترش افقی در نظر گرفته شود، باز نمی توان معتقد بود که معاهده ۱۹۶۸ ضامن منافع همه دولتهای عضو جامعه بین المللی نیست. بنابراین، ادعای دولتهای جهان سوم مبنی بر اینکه آنها این معاهده را فقط به لحاظ منافع خاصی که برای آنها داشته است امضا کرده اند، پذیرفته نیست. زیرا آنچه از ابتدا برای تحقق موضوع این معاهده اهمیت داشته، عنصر ذاتی آن یعنی تضمین منافع جمع بوده است و نه عنصر ذهنی آن یعنی منافع خاص هر یک از امضا کنندگان معاهده.<sup>۲۵</sup>

هر چند وضعیت عملی یعنی ملاحظاتی مربوط به هست ها و نیست ها در اعمال حقوق شناخته شده هر دولت (و هر شخص دیگر) تاثیر بسزا دارد اما به نظر نمی رسد که تفاوت در موقعیت بین المللی یا توانمندی های فناوری و هر چیز دیگر را که خارج از جوهر شکل گیری و حیات دولتهاست، به عنوان دلیلی قاطع در ارزیابی داشتن یک حق یا تعیین گستره آن باشد. در واقع (برابری حقوقی یا برابری در حقوق) به همین معنا است که حقوق بین الملل سرشار از اصول موجد "حقوق برابر برای دولتهای نابرابر" است خواه قابلیت ها و امکان نهفته در این حقوق، برای همه دولتها به فعلیت درآید یا خیر. از طرف دیگر، اگر قابلیت های فناوری یا تکنولوژیک در استیفای برخی حقوق از جمله توسعه نقش حیاتی دارد، بهره مندی دولتهای کمتر توسعه یافته یا توسعه نیافته از حق بر توسعه، این امکان را برای آنها مجاز می سازد تا در مسیر کسب فناوریها یا هر ابزاری که لازمه استیفای حقوق مسلم و مهم آنهاست، حرکت کنند. به قول معروف، اذن در شیء اذن در لوازم آن هم هست. با این حال، چون هدف مشروع توسعه صلح آمیز است، آن دسته از فناوریها که صرفاً کاربرد غیر صلح آمیز دارند، در این حوزه جای نخواهند گرفت.<sup>۲۶</sup>

از این رو، نمی توان انصراف از انرژی هسته ای را بویژه برای کشورهایی که دارای منابع غنی این انرژی هستند، به صرف آنها قلمداد کرد. مساله این است که اعراض دائمی از حق داشتن سلاح هسته ای به عنوان تعهدی قراردادی<sup>۲۷</sup> تنها در صورتی مورد قبول دولتهای در حال توسعه قرار گرفته که این امر بهانه ای برای تعمیق شکاف توسعه در میان کشورها نگردد. در این صورت، نابودی توان هسته ای تسلیحاتی به مثابه اقدامی کاملاً ضروری و مقتضای صلح و امنیت واقعی بین المللی، نه تنها مطلوب جلوه می کند بلکه تقابلی با اراده کشورهای متقاضی توسعه نخواهد داشت. اما واقعاً این است که دارندگان توان هسته ای، از تهدیدزائی سلاحهای هسته ای برای صلح جهانی به عنوان مساله ای در تقویت موقعیت عملی خویش در روابط بین المللی بهره می گیرند. ضمن آنکه تهدیدات مورد ادعا، به نفس وجود سلاحهای هسته ای باز می گردد و گسترش آنها تنها موجب افزایش این تهدید است ولی این بدان معنا نیست که صرفاً بر مساله گسترش سلاحهای هسته ای تکیه شود و تهدید ناشی از زادخانه های هسته ای موجود را (آن هم در کشورهایی که نظامیگری به عنوان سیاست رسمی و عملی شان قلمداد می شود) نادیده انگاشت. اما تا کنون افکار عمومی جهانی و اراده سیاسی دولتها معطوف به گسترش بوده و از خطر سلاحهای هسته ای موجود دور بوده است.

فلسفه پیدایش آرژانس بین المللی انرژی اتمی، نه محدود کردن آنها بلکه تلاش برای تسریع و توسعه سهم انرژی اتمی در صلح، سلامت و سعادت سراسر جهان<sup>۲۸</sup> و تلاش برای ایجاد وسائل لازم جهت استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای و کمک به تحقق اهداف و اصول منشور در جهت استقرار صلح و همکاری بین المللی است.<sup>۲۹</sup> دولتهای هسته ای تنها می توانند با استناد به بند ۲ ماده ۳ ان.پی.تی، انتقال مواد قابل شکافت و تجهیزات مخصوص هسته ای به غیر هسته ای را ممنوع به نظارت آرژانس بین المللی انرژی اتمی متعاقب قبول پادمان نمایند. اما در عمل نه تنها آرژانس کمک به توسعه صلح آمیز انرژی هسته ای را در پوشش عدم گسترش رها کرده است، بلکه دولتهای

هسته ای نیز همین رویه را در پیش گرفته اند.

ظاهر مقررات ماده ۴ نشان می دهد که نوعی مابه ازاد مقابل مواد ۱ و ۲ آن معاهده نمی باشد. این عدم گسترش است که هدف و موضوع معاهده ۱۹۶۸ می باشد و در این حالت، انتقال فناوری هسته ای برای مقاصد صلح جویانه یک امر فرعی و ثانوی است.<sup>۳۰</sup> با این حال، به نظر می رسد که نمی توان "هدف" این معاهده را به صورت مضیق تفسیر نمود و صرفاً به "عدم گسترش" محدود کرد. بلکه هدف این معاهده تامین عدم گسترش افقی بدون خلل وارد کردن در فرایند توسعه دولتهاست. بنابراین، توسعه نیز در قلب معاهده قرار داشته و هدف و موضوع آن به معنای کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات است. از این منظر، دلیلی موجه و قانع کننده وجود ندارد که بر اساس آن بتوان مواد ۱ و ۲ را بر مواد ۴ و ۵ آن معاهده برتری داد.

حتی اگر دیدگاه مبتنی بر تفکیک مفاد معاهده عدم گسترش و برتری ممنوعیت های مندرج در مواد ۱ و ۲ بر سایر مواد هم مورد قبول واقع شود، باز هم تشکیل گروههای کنترلی ولو اینکه مدعی تضمین ممنوعیت های نظام عدم گسترش باشند، موافق با آن معاهده به نظر نمی رسد. زیرا اولاً در آن معاهده تصریح شده که هدف و موضوع اصلی آن معاهده نمی تواند مانعی فراروی توسعه صلح آمیز دولتها باشد بلکه طرفداران نظام عدم گسترش، بر وجود این حق و وصف آن به عنوان "حقی مسلم و غیر قابل سلب" یعنی تبلور اصل حاکمیت دولتها اذعان دارند. ثانیاً ایجاد گروههای کنترلی نظیر باشگاه لندن ارتباطی با عدم گسترش به معنای واقعی آن ندارد بلکه فرایندی سیاسی است که در پرتو آن، همکاری با هر یک از دولتهای متحد اعضای آن باشگاه حتی

**مجلس شورای اسلامی نیز عقیده دارد که در جهت حصول به هدف دستیابی به فناوری هسته ای صلح آمیز باید از دانشمندان و محققین کشور استفاده شود. از طرف دیگر، سخت افزار توسعه نیز باید در درجه اول از داخل کشور تامین شود. امکانات داخلی باید برای حصول به این هدف به صورت مناسب بسیج گردد به گونه ای که توسعه همه جانبه نیز دچار اختلال نگردد.**

غیر عضو عدم گسترش، ممکن می گردد.

توسعه، پیش شرط اساسی حمایت از حاکمیت دولتهاست. دولتهایی که از سطح توسعه اقتصادی و صنعتی مناسبی برخوردار نیستند، عملاً در اعمال موثر حاکمیت با مشکل روبرو هستند. از این رو، توسعه چالش بزرگ قرن بیست و یکم است.<sup>۳۱</sup> در صورتیکه برای کاهش شکاف سطح توسعه میان دولتها اقدام حقوقی بین المللی صورت نگیرد، بدون شک این چالش تضمین صلح را بیش از گذشته تهدید خواهد کرد. با اینکه تقلیل خطر سلاحهای کشتار جمعی یکی از لوازم تامین صلح پایدار جهانی است اما اولاً تعقیب خلع سلاح هسته ای برای نابودی ذخایر موجود<sup>۳۲</sup> از یک سو و توجه جامعه بین المللی به حقوق مشروع و غیر قابل سلب دولتها در زمینه توسعه صلح آمیز و ایجاد سازوکار حقوقی بین المللی مناسب در این خصوص است که راهگشا خواهد بود. اما عملکرد دولتها تا کنون نمایانگر برتری دادن به مساله منع گسترش سلاحهای کشتار جمعی و استفاده از آن به عنوان عاملی برای تعمیق فاصله دولتها از نظر سطح توسعه بوده است. احیای جنبش عدم تعهد یا گروه ۷۷ به عنوان سازمان هدایت و موضع گیری کشورهای در حال توسعه در برابر کشورهای توسعه یافته، لازمه استیفای حق مشروع و بین المللی آنها بر کسب توسعه خواهد بود.

### پیامدشناسی اختصاری طرح مجلس

پیامدهای عملی طرح قانونی با توجه به اوضاع و احوال و شرایط کنونی ملی و بین المللی را می توان به صورت مختصر به صورت زیر دسته بندی نمود.

## پیامدهای داخلی

- بی تأثیری بر روند پیشرفت برنامه هسته ای کشور. در واقع، این طرح بیش از آنچه ابعاد عملی داشته و برنامه هسته ای کشور را تغییر جهت داده و یا در مسیر توسعه فناوریانه تسریع و تسهیل نماید، صرفاً نوعی موضع گیری به عنوان دیدگاه نمایندگان ملت در مجلس قانونگذاری است.

- تقدم ابعاد سیاسی بر آثار حقوقی این الزام. ملزم کردن دولت جمهوری اسلامی به دستیابی به فناوری هسته ای صلح آمیز، بیش از هر چیز متضمن مولفه های سیاسی است بدون آنکه در حقیقت، الزام قانونی و حقوقی نهادی خاص در راستای تحقق هدف مذکور مورد نظر باشد. به همین دلیل است که بجای ملزم کردن نهادی خاص بویژه سازمان انرژی اتمی و یا تبیین مسئولیت رئیس جمهور در تحکیم راهبرد توسعه ای این سازمان (که مستقیماً زیر نظر وی اداره می شود)، دولت جمهوری اسلامی ایران طرف این الزام قرار گرفته است.

- وحدت و وفاق ملی بر مبنای استمرار توسعه هسته ای. شاید تصویب این طرح موجب همگرایی دیدگاهها و ساختارهای درون ملی چه در سطح حکومت و چه ملت گردد. ایجاد محاصره حلقه ای سازمان انرژی اتمی توسط دانشجویان در ماه اخیر، نمودی از این وفاق بخشی طرح مذکور است که با توجه به آگاهی دانشجویان به فشارهای خارجی، به عنوان حمایت علمی و نرم افزاری از این توسعه فناوریانه صورت گرفته است.

## پیامدهای خارجی

این طرح بدون شک از پیامدهای خارجی نیز به دور نبوده است به طوری که اغلب رسانه های بیگانه با بیان مفاد این طرح، تحلیل های مختلفی را از آن ارائه کرده اند.

## پیامدهای مثبت احتمالی

در این خصوص می توان به انعکاس روحیه ملی ایران در پشتیبانی از برنامه هسته ای کشور و ایجاد بسترهای توجیه عدم تعلیق غنی سازی و چرخه سوخت اشاره کرد.

در هر حال و به رغم تحلیل تفصیلی حق بر توسعه در پرتو اصول و هنجارهای مسلم و شناخته شده بین المللی، نباید فراموش کرد که طرح مذکور در قبال آثار حقوقی بین المللی تعهدات پادمانی فاقد تأثیر بوده و نمی توان به آن به عنوان مبنائی برای عدم همکاری با بازرسان در بازرسهای هسته ای استناد کرد. متأسفانه بازرسهای فعلی آژانس که بر مبنای قطعنامه های شورای حکام صورت می گیرد، چون مستند به اسناد بین المللی عام هستند، بر حقوق ایران برتری دارند. امروزه این یک اصل مسلم حقوقی بین المللی است که نمی توان با استناد به مقررات حقوق داخلی از اجرای تعهدات بین المللی استنکاف ورزید.

بی نوشت

16 Ramesch Tahir, "Defence Necessities, Disarmament and the United Nations", Disarmament Forum, (2001), www.un.org.

۱۷- ابراهیم بیگ زاده، بدیع بودن معاهده منع گسترش سلاحهای هسته ای در حقوق بین الملل، تحقیقات حقوقی، (شماره ۱۷-۱۶، پانز ۷۴ تا بهار ۷۵)، ص ۲۸۲.  
۱۸- جمشید ممتاز، مشروعیت تحریم های اقتصادی از منظر حقوق بین الملل، در: جمشید ممتاز، ایران و حقوق بین الملل، ترجمه و تحقیق امیر حسین رنجبریان، (تهران، دادگستر، ۱۳۷۵).  
۱۹- ابراهیم بیگ زاده، حقوق بین الملل عمومی پیشین، ص ۲۵۲.  
۲۰- گودرز افتخار جهرمی، حاکمیت دولتها و محدودیتهای منشور ملل متحد، تحقیقات حقوقی، (شماره ۱۸، ۱۳۷۵)، ص ۳۶.

21- UNGA Res. 36/27, 1981.

22- UN Sc Res.478, 1981.

23- Missile Technology Control Regime (MTCR)

24- Comprehensive Nuclear-Test-Ban Treaty (CTBT)

۲۵- فلسفی، پیشین، ص ۲۲.

۲۶- به عکس، غربیها معتقدند که اصل بر ممنوعیت است و به همین دلیل هرگونه فناوری که صرفاً صلح آمیز نباشد، تبادل آنها در حوزه این ممنوعیت ها قرار خواهد گرفت. بنابراین، از همکاری در حوزه مواد و فناوریهای دومتظره یعنی اقلامی که قابلیت صلح آمیز و نظامی همزمان دارند، خودداری می ورزند.

۲۷- دیوان بین المللی دادگستری نیز اعلام کرده که بجز حقوق قراردادی هیچ محدودیتی در زمینه داشتن تسلیحات وجود ندارد و حاکمیت دولتها در این حوزه، تنها توسط حقوق قراردادی محدود شده است. بنابراین، این محدودیت ها صرفاً ناظر بر دولتهائی است که ملزم به اجرای آن معاهدات باشند. رک به:

Nicaragua Case, ICJ Rep. 1986, p. 135, para. 269 and "Advisory opinion on the Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons", ICJ Rep. 1996, pp. 531-532, para. 21

۲۸- ماده ۱۲ اساسنامه آژانس بین المللی انرژی اتمی.

۲۹- ماده ۱۱ اساسنامه آژانس بین المللی انرژی اتمی

۳۰- ابراهیم بیگ زاده، بدیع بودن معاهده منع گسترش سلاحهای هسته ای در حقوق بین الملل، پیشین، ص ۲۸۳.

۳۱- بطروس بطروس غالی، پیشین، ص ۲۵۷.

32- Shri Jaswant Singh, "Peace Today", Address by the Minister for External Affairs, in: Jasjit Singh (ed.), Peace in the New Millenium, (New Delhi, Knowledge World, 2002), p. xxvi.

## 1 Solidarity rights

۲- ابراهیم بیگ زاده، حقوق بین الملل عمومی، (جزوه دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهبشتی، ۱۳۷۵)، ص ۲۵۷.

## 3- Black List

۴- جمشید ممتاز، حقوق بین الملل سلاحهای کشتار جمعی، ص ۳۸. و همچنین فلسفی، ص ۲۲.

۵- فلسفی، پیشین، ص ۲۳.

۶- ممتاز، پیشین، ص ۴۰.

۷- این اولویت به دلیل اعتقاد عمومی دولتها به نیازمندی دولتهای غیرهسته ای به توسعه صلح آمیز انرژی هسته ای بوده است بدون آنکه این امر، حق توسعه را از سایر دولتها سلب نماید.

۸- جمشید ممتاز، پیشین، ص ۳۸.

۹- رک به: جمشید ممتاز، پیشین، ص ۳۸.

۱۰- رای دیوان دائمی دادگستری بین المللی در قضیه لوتوس، ۱۹۲۸، رای دیوان دادگستری بین المللی در قضیه نیکاراگوئه ۱۹۸۶ و رای مشورتی سلاحهای هسته ای ۱۹۹۶.

## 11 Nuclear Supplier Group (NSG)

## 12 Zangger Committee

۱۳- گروه استرالیا نیز گروه کترلی مشابهی است که در حوزه فناوریهای دو منظوره شیمیائی و بیولوژیک همین رویکردها را دنبال می کند.

۱۴- ممتاز، صص ۳۹-۴۰.

۱۵- ماده ۳ معاهده عدم گسترش صرفاً خطاب به غیر هسته ای است از آنجا که نظام عدم گسترش بیشتر در پی آن است که اعضای کلوپ هسته ای افزایش نیابد، در قالب این ماده در صدد بر آمده تا از قبیل برنامه های هسته ای صلح آمیز غیر هسته ای ها به ابزاری برای برپایی برنامه های نظامی جلوگیری شود. در این راستا، پذیرش نظام پادمان آژانس برای دولتهای غیر هسته ای، حالت الزامی دارد. پادمان الزامی آژانس بر حسب معاهده عدم گسترش، پادمان جامع نام دارد. در این حوزه، کلیه دولتهای غیر عضو باید تمامی بخش های برنامه توسعه صلح آمیز هسته ای خود را تحت نظارت آژانس قرار دهند. مقررات تفصیلی ناظر بر این نوع پادمان، در نص معاهده ان. پی. تی پیش بینی شده و به موافقتنامه های بعدی میان دولتهای غیر هسته ای و آژانس شده که در سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۹۷ دو سند به نام ۳۵۱/۵ بدین منظور تصویب شده است. در کنار آن، پادمان جزئی در مورد دولتهای غیر عضو عدم گسترش ولی عضو اساسنامه آژانس است که برای برخی پروژه های هسته ای از آژانس کمک می گیرند. در این موارد، صرفاً ابعاد مختلف پروژه مذکور تحت نظارت پادمانی آژانس خواهد بود و به دیگر فعالیت ها و تاسیسات آن کشورها تشری نمی یابد